

بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا*

یادی از آیت ا... حاج شیخ محمدحسین سیبویه، احیاگر سنت مقتل خوانی در ایران به بهانه سالروز درگذشت او

یکم/ چون رفتن جان از بدن



آزاده چشمه سنگی نویسنده

با باهای لرزان از ورودی باب الحسین^(ع) حرم حضرت عباس^(ع) می‌آید بیرون. خنکای نسیم سحر روی اشک‌های تمام نشدنی اش دستی می‌کشد. چشم‌هایش به خون نشسته. عین دلش. چند قدم دور می‌شود. باز برمی‌گردد پشت سرش را نگاه می‌کند. دستی او را به خود می‌خواند. با همان پای برهنه‌کشیده می‌شود سمت باب الحسین^(ع). انگار با نخی نامرئی به آجر آجر این آستان متصل است. مثل کودکی که به زور از مادر جدایی کرده باشند. هق هق می‌زند و خودش را می‌چسباند به پنجره‌های ضریح. او سال‌ها در این حرم به امامت نماز ایستاده. شب‌های تاسوعا میان حلقه عظیم عزادارها مقتل خوانده. کربلازاده است. حالا هزاری هم که سجل‌نامه‌اش برای ایران باشد. باز خودش را یکی از کربلایی‌ها می‌داند. دارند او را از زادگاهش بیرون می‌کنند. جایی‌که ریشه‌هایش در آن قوت گرفته. نان و نمک این شهر را خورده. با نسیم صبحگاه‌ای که از لای پرچم سرخ‌گنبد وزیده و به ریه‌هایش رسیده. جان‌گرفته و اصلاً حال‌اصدام چه کسی باشد که بخواهد او را از این بهشت بیرون کند؟ از اینجا به بعد گریه‌هایش شدت می‌گیرد. دست به پیشانی می‌کوبد و سری به نشانه افسوس تکان می‌دهد. مدام به خودش نهیب می‌زند که هرچه به سرش آمده، مکافات عمل اوست. اما همه می‌دانند. شیخ محمدحسین سیبویه تمام جوانی‌اش برای اباعبدا... گذشته. دهانش عطر روضه می‌دهد. تار و پود پیراهنش با عزای حسین^(ع) یکی شده. دل‌کنند از کربلا برای او. دل‌کنند نوزاد شیرخواره از مادر است. با این همه خبر ندارد خدا تقدیر دیگری برای او رقم زده که باقیات‌الصالحاتی است و تا دنیا دنیااست. درکنیبه اعمالش نگاشته می‌شود. او به حکم سرنوشت و به جبر رژیم بعث به ایران کوچ می‌کند تا احیاگر سنتی باشد که در ایران رو به فراموشی بود؛ مقتل خوانی.

دوم/ پیر غلام اباعبدا....

عمامه را برداشته. عبا را کناری می‌گذارد. راه می‌افتد می‌آید میانه مجلس. با هر قدم بینی زمزمه می‌کند و هر بار دسته‌ای دل‌داده را به کام اشک می‌کشاند. مجلس دم‌گرفته و وقت بالاگرفتن است؛ «پر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا...». جمعیت دست‌ها را بالا می‌پزند



نماز جماعت به امامت آیت ا... حاج شیخ محمدحسین سیبویه



آیت ا... حاج شیخ محمدحسین سیبویه و دو تن از شاگردانش



مجلس روضه آیت ا... حاج شیخ محمدحسین سیبویه در کربلا



آیت ا... حاج شیخ محمدحسین سیبویه در مسیر پیاده روی کربلا

مشهد الرضا^(ع) مقصد آخر بود

بازگشت. به همراه خانواده‌عازم مشهد مقدس و در جوار ملکوتی حضرت امام رضا^(ع) ساکن شد. آیت ا... سیبویه با ورود به مشهد، به تدریس در حوزه علمیه پرداخت و در سال ۱۳۶۰ خورشیدی، مدرسه علمیه امام حسین^(ع) را که هم‌اکنون از مدارس موفق حوزه علمیه مشهد است، تأسیس کرد. او در این مدرسه به تدریس سطوح عالیه و درس خارج فقه برای طلاب و فضلاء حوزه و همچنین درس تفسیر و اخلاق جهت عموم مردم پرداخت و به این ترتیب در مشهد صد‌ها شاگرد فاضل و محقق تربیت کرد.



مقتل خوانی آیت ا... حاج شیخ محمدحسین سیبویه در مشهد

برگرفته از یادداشت علیرضا نوروزی. مدرس حوزه علمیه. منتشر شده در روزنامه شهرآرا



رضا چنگی

قیمت کتاب به نسبت سال گذشته سه برابر شده است

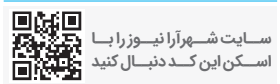


- روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع‌رسانی
- صاحب امتیاز: مسعود میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۱-۵ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۵۱
- نمایر: ۰۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱
- روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

SHAHRRARANNEWS.IR

شبه ۱۳ آبان ۱۴۰۳ ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۴ شماره ۴۴۴۹

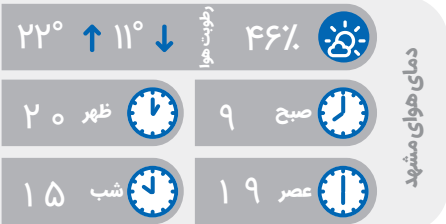
Mashhadchehreh.ir Photosahr.ir



سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید



ميثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای



- اذان ظهر ۰۵:۱۱:۵۵ نیمه شب شرعی ۱۴:۳۲:۲۲
- غروب آفتاب ۰۶:۱۶:۳۴ اذان صبح فردا ۱۴:۳۱:۰۴
- اذان مغرب ۰۵:۱۶:۵۳ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۵۷:۵۵

عکس روز



غرفه‌های پاییزی

جشنواره «طعم و رنگ پاییز» در باغ مشهد واقع در بولوار جمهوری اسلامی افتتاح شده و تا ۱۸ آبان میزبان مردم مشهد است. در این رویداد بیش از ۳۰۰ نوع بوته گل با طرح‌های مختلف به نمایش گذاشته شده و غرفه‌های عرضه مستقیم محصولات پاییزی، پذیرایی بازدیدکنندگان است. علاقه‌مندان می‌توانند هر روز از ساعت ۹ صبح تا ۱۰ شب از این نمایشگاه دیدن کنند.



برای مشاهده گزارش تصویری که را اسکن کنید. عکس: سعید کلی / شهرآرا

کوپه

چشم‌های بسته بائربوک



روزنامه گل‌آرمانی

آلمانی‌ها، بعد از جنگ جهانی دجاریک‌ش عمیق شده‌اند. این حس را، اما صهیونیست‌ها به نفع خودشان مدیریت کرده و در واقع به بیراهه برده‌اند. آلمانی‌ها باید در برابر همه گرفتاران جنون‌هینتر، به ویژه کشورهای بی‌طرفی چون ایران که قربانی بی‌گناه جنگ و سبکباران بوده شرم‌منده باشد، همه شرمشان عرقی شده است که در برابر صهیونیست‌ها فرو می‌ریزد. به همین دلیل است که همه جوهر پشت آن‌ها می‌ایستند. با مدیریت آن‌ها است که در برابر دیگران صف‌آرایی می‌کنند. بر جنایات رژیم‌های جانی و کودک‌کش چشم می‌بندند و پیکر قطعه قطعه شده بیش از ۱۰ هزار کودک غزه را نمی‌بینند، اما برای خاکی شدن چکمه‌سرباز اشغالگر، عزاداری می‌کنند. به این هم بسنده نمی‌کنند بلکه به هر موردی که بتوان کشورهای ایستاده در برابر فزون‌خواهی صهیونی را به چالش کشید، می‌پردازند. از جمله ماجرای «شارمهد»- که خود به جنایت‌تورر اعتراف کرده است- برایشان مهم می‌شود. به اعدام این ترورپرست واکنش نشان می‌دهند و مهمل استنادی‌شان گذرنامه آلمانی این جانی است. جوابشان را هم در کلمات قاطع عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران می‌گیرند که هم‌ماجرارانیبین‌واذهان را تئویر می‌کند و هم جواب آلمان‌ها را می‌دهد. «اول اینکه، شارمهد، آشکارا و بدون شرم رهبری حمله تروریستی به یک حسینی‌ه را بر عهده داشت که منجر به کشته [شهید] شدن ۱۲ نفر از مردم بی‌گناه از جمله زنان و کودکان شد. بیش از ۲۰۰ نفر [نیز] در این حمله مجروح شدند. شواهد کافی موجود است و در دسترس همه برای بررسی قرار دارد. دکتر عراقچی طعنه‌ای هم به مقام آلمانی می‌زند که «گذرنامه آلمانی برای هیچ کس، چه رسد به یک جنایتکار تروریست، مصونیت نمی‌آورد. دست از پرده پوشی و بازی‌های روانی بردارید خانم بائربوک. «اوبه این بسنده نمی‌کند بلکه دست‌بر نقطه‌ای می‌گذارد که آلمان‌ها را چنددهه است به گرو گرفته است. حمایت از صهیونیسم جانی، «دست از حمایت از کودک‌کش‌ها و تروریست‌ها بردارید و خود را پشت شعارهای حقوق بشری منافقانه پنهان نکنید!» این هم پایان محاجه و حجت‌آوردن وزیر ما نیست که تقویم را چنددهه به قبل برمی‌گرداند و به یاد می‌آورد که، «ما سلاح‌های شیمیایی را که اتباع آلمان در اختیار رژیم صدام قرار دادند، فراموش نکرده ایم.» و باز به امروز برمی‌گردد تا خانم بائربوک را به استدلالی محکم، محکوم کند، «دولت شما در نسل‌کشی مستمر اسرائیل شریک جرم است. آلمان دومین تأمین‌کننده سلاح‌های مرگ‌بار به اسرائیل برای نسل‌کشی در غزه و کشتار در لبنان به شمار می‌رود. به اطراف نگاه کنید! حتی مردم خودتان هم ادعاهای متکبرانانه حقوق بشری شما را به سرخه می‌گیرند.» این را وزیر مایمی گوید، ملت هم پای آن امضا می‌گذارد که اینجا ایران است. هر دستی به ترور و تعدی دراز شود، قطع خواهد شد حتی اگر انگشتش در پاسپورت آلمانی اسکن شده باشد!